

شهروندی مشارکتی و نقش آن در بهینه‌سازی مدیریت شهری، مطالعه موردی منطقه ۱

شهر مشهد

علی زنگی‌آبادی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان

مهدی زنگنه* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه حکیم سبزواری

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۷/۱۰ تأیید مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

چکیده

مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مهم‌ترین زمینه مشارکت قلمداد می‌شود و این نوع مشارکت یکی از الزامات زندگی شهری است.

مقاله حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با هدف سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در منطقه ۱ شهر مشهد انجام گرفته است. اساس کار این پژوهش پیمایش میدانی بوده و بر پایه برداشت‌های پیمایش میدانی و پرسش‌نامه سازمان یافته است و داده‌ها با استفاده از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت ارزش‌گذاری شده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفته و از آزمون‌های تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی ناپارامتریک کندال، تفاوت میانگین (t.test) و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

نتایج توصیفی مشارکت نشان داد که بیشتر شهروندان منطقه ۱ در اموری مانند حفاظت از پارک‌ها و فضاهای سبز، پرداخت عوارض شهری و شرکت در اداره امور شهری مشارکت بیشتری داشته‌اند و میزان مشارکت شهروندان در ارائه نظرها و پیشنهادهای مدیران شهری در سطح پایین‌تری بوده است.

نتایج تحلیلی داده‌ها نشان داد که با بالا رفتن حس تعلق شهروندان به محل سکونت، افزایش رضایت‌مندی آنان از امکانات و خدمات شهری و ارتقای پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنها، تمایل به مشارکت در مدیریت شهری افزایش می‌یابد. به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد که با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسط و بالای شهروندان ساکن در منطقه تحت مطالعه، هنوز همه شهروندان به‌طور کامل به این نتیجه نرسیده‌اند که مشارکت شهروندی یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار شهری است.

کلیدواژه‌ها: بهینه‌سازی، شهر مشهد، شهروندی مشارکتی، مدیریت شهری.

مقدمه

مشارکت اگر چه به معنای عام آن از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته، به معنای جدید در عرصه سیاست و پس از جنگ جهانی دوم آغاز شده است. این نوع مشارکت در برخی از کشورهای صنعتی جهان (به‌ویژه کشورهایی که در جنگ شکست خورده بودند) در قلمرو اقتصادی و صنعتی آغاز شد تا مردم را در مالکیت شریک کند و پایه‌های پایداری و تداوم صنعت و اقتصاد را استحکام بخشد. با گسترش معنای مشارکت و راه یافتن آن به تمام عرصه‌های زندگی، امروز سخن از شرایطی است که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی داشته باشند.

تازه‌ترین زمینه مشارکت، مشارکت شهروندان در اداره امور شهر است. این مشارکت یکی از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان از حالت فردی که صرفاً در مکانی به نام شهر زندگی می‌کنند، بیرون آیند و به «شهروند فعال» بدل شوند.

مفهوم مشارکت دربرگیرنده این موضوع اساسی است که افراد و کل جامعه با تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم خود در امور شهری و دیگر موضوعات مرتبط، از منافع آن متمتع می‌گردند. شهروندان با مشارکت در امور شهری به شبکه‌ای از روابط وصل می‌گردند که در آینده می‌تواند نقش حمایتی را برای آنان داشته باشد. به‌ویژه در جامعه‌ای که تعداد اقشار آسیب‌پذیر بیشتر است، شرکت‌دهی آنان در امور شهری، باعث افزایش عزت نفس، افزایش تعامل اجتماعی و افزایش تجربه و مهارت‌های اجتماعی می‌گردد.

به عقیده متخصصان برنامه‌ریزی شهری، شهروندان به عنوان تأمین‌کنندگان اصلی هزینه‌های شهری (مالیات و عوارض) و به عنوان مجریان قوانین شهری باید درباره آینده شهر خود با مسئولان شهر مشارکت داشته باشند؛ اما بعد مشارکت مردمی در فرایند مدیریت شهری با مشکل و چالشی جدی روبه‌رو شده است. عدم شرکت بخش مردمی در امور مربوط به مدیریت شهر و نیز بی‌علاقگی مردم برای مشارکت در اموری که مربوط به خودشان است، مدیریت شهری را با مشکل بزرگی روبه‌رو کرده است و این خود معضل آشکاری است که در همه شهرهای ایران قابل مشاهده است.

روش شناسی

پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته است. قسمت عمده انجام پژوهش پیمایشی بوده است و جامعه آماری شامل همه ساکنان منطقه ۱ شهر مشهدند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت منطقه ۱ شهر مشهد ۱۷۴۵۹۴ نفر بوده است و با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران حجم نمونه ۳۸۴ تعیین شده است و شیوه نمونه‌گیری به روش تصادفی سیستماتیک صورت گرفته است.

بحث

از مباحث مطرح‌شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها با SPSS و مطالعات میدانی انجام‌گرفته در این پژوهش چنین برمی‌آید که در ارزیابی میزان مشارکت در مدیریت شهری از کل ۳۸۴ نمونه تحت پژوهش، ۱۱ درصد افراد مشارکت کم داشته‌اند، ۱۸ درصد مشارکت متوسط و ۷۱ درصد مشارکت زیاد داشته‌اند.

با توجه به سنجش طیفی احساس امنیت (از ۱ تا ۵) میانگین نمره میزان مشارکت شهروندان منطقه ۱، ۳ بوده است و با توجه به اینکه ۴۰/۶ درصد از افراد جامعه نمونه درآمدی بالای ۶۰۰ هزار تومان و ۴۱/۶ درصد بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان داشتند و تقریباً نیمی از جامعه نمونه تحصیلاتی بالاتر از دیپلم داشتند، میزان مشارکت بیشتری انتظار می‌رفت؛ با این حال، رقم به‌دست‌آمده اندکی از سطح متوسط بالاتر بوده است. با توجه به سطح درآمد و تحصیلات نسبتاً بالا در وضعیت کنونی و رقم به‌دست‌آمده از میزان مشارکت، می‌توان انتظار داشت که در آینده میزان مشارکت افزایش یابد.

نتیجه‌گیری

نتایج توصیفی مشارکت نشان داد که اکثر شهروندان منطقه ۱ در اموری مانند حفاظت از پارک‌ها و فضاهای سبز، پرداخت عوارض شهری و شرکت در اداره امور شهری مشارکت بیشتری از خود نشان دادند و میزان مشارکت شهروندان در ارائه نظر و پیشنهاد به مدیران شهری در سطح پایین‌تری بوده است.

نتایج تحلیلی داده‌ها نشان می‌دهد که بین متغیرهای احساس تعلق به محل سکونت و میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی شهروندانی که به محل سکونت خود وفادار بوده و به آن احساس تعلق خاطر دارند، بیشتر از شهروندانی که چنین احساسی را ندارند، به مشارکت در امور شهری علاقه‌مندند. همچنین آن دسته از شهروندانی که از خدمات‌رسانی مدیران شهری رضایت بیشتری دارند، به همان میزان تمایل بیشتری به مشارکت در مدیریت شهری دارند.

نتایج آزمون رگرسیون نشان‌دهنده آن است که بر حسب ارزش ضرایب (بتا) به ترتیب متغیرهای نوع مالکیت، میزان تحصیلات، کیفیت مسکن، وضعیت تأهل، میزان درآمد و نوع شغل توانسته‌اند ۵۵ درصد از واریانس متغیر وابسته (مشارکت در مدیریت شهری) را تبیین کنند. در مجموع، نتایج مربوط به هم‌بستگی‌ها و تحلیل رگرسیون با رویکرد نظری تحقیق حاضر مطابقت دارد و فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کند. به استثنای متغیر کیفیت مسکن که با میزان مشارکت در مدیریت شهری رابطه معناداری نداشته است.

به عبارت دیگر، شهروندان متأهلی که مالک منزل مسکونی خود بودند و کسانی که از درآمد و تحصیلات بالا و کیفیت مسکن بالایی برخوردار بودند، تمایل بیشتری به مشارکت در مدیریت شهر داشتند.

نهایتاً باید گفت با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسط و بالای شهروندان ساکن منطقه تحت مطالعه، هنوز همه شهروندان به‌طور کامل به این نتیجه نرسیده‌اند که مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار شهری است.

مقدمه

مشارکت به معنای عام آن اگرچه از دیر باز با زندگی انسان پیوند داشته است، به معنای جدید از عرصه سیاست و پس از جنگ جهانی دوم آغاز شده است. این نوع مشارکت در برخی از کشورهای صنعتی جهان (به‌ویژه کشورهایی که در جنگ شکست خورده بودند) در قلمرو اقتصادی و صنعتی آغاز شد تا مردم را در مالکیت شریک سازد و پایه‌های پایدار و تداوم صنعت و اقتصاد را مستحکم کند. با گسترش معنای مشارکت و راه یافتن آن به تمام عرصه‌های زندگی، امروز سخن از شرایطی است که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی پیدا کنند.

تازه‌ترین زمینه مشارکت شهروندان در اداره امور شهر است. این مشارکت یکی از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان از حالت فردی که صرفاً در مکانی به نام شهر زندگی می‌کنند بیرون آیند و به شهروند فعال بدل شوند.

در یک نگاه ساده، اصول آرمانی مدیریت شهری عبارتند از:

۱. تشویق و مشارکت مردم در اداره امور شهر
۲. آگاهی از نیازها و خواسته‌های شهروندان
۳. تلاش در جهت تمرکززدایی و کوشش حکومت به سوی واگذاری امور به مردم و شهروندان
۴. برخورداری از سازمانی ساده و تعداد اندک کارکنان ستادی
۵. اولویت و اهمیت قائل شدن برای گسترش فضاهای فرهنگی - اجتماعی
۶. آموزش فرهنگ شهرنشینی
۷. بهره‌وری و بهره‌گیری بهینه از امکانات
۸. تلاش برای دستیابی به توسعه پایدار شهری

این اصول نشان می‌دهند که در مدیریت شهری نوین و در جهانی که به‌طور فزاینده‌ای به سمت شهری شدن گام برمی‌دارد، مشارکت مردمی جایگاهی رفیع دارد (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۸۹).

بیان مسئله

در جهان امروز به دلیل بحران‌های اقتصادی و بی‌ثباتی، بحران‌های زیست‌محیطی و عوامل عدیده دیگر، ضرورت وجودی مشارکت شهروندان در امور مختلف شهری احساس می‌شود (Haralambos et al, 2004).

در جامعه ما نیاز به مشارکت بیش از پیش احساس می‌شود، چرا که افزایش جمعیت و شهرنشینی به عنوان پدیده‌ای فراگیر در یک‌صد سال اخیر، هم کشورهای صنعتی و هم کشورهای در حال توسعه را با چالش‌های جدیدی روبه‌رو کرده است. توجه به نقش مشارکت اجتماعی در توانمندسازی انسان‌ها، افزایش بهره‌وری، کاهش مشکلات شهری، تحقق توسعه، مشکلات ناشی از عدم مشارکت و مشارکت محدود در فعالیت‌های اجتماعی شهری در جامعه ایران که در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن است، به عنوان مسئله‌ای اساسی در مدیریت شهری مطرح است. تنها با بهره‌گیری درست و بهینه از توان‌ها و استعدادهای موجود شهروندان در قالب برنامه‌های خدمات شهری مانند: فاضلاب، شبکه آب شهری، خیابان، مسکن و در مجموع، زیرساخت‌های شهری، روند رشد جمعیت شهرها هماهنگی مطلوب را پیدا خواهد کرد (قراچورلو و اسمعیلی، ۱۳۸۶).

مشارکت مردم در امور شهر یکی از اهداف جوامع معاصر است. از آنجاکه افکار عمومی به این‌گونه امور حساس نیست، ضروری است سازوکارهایی پدید آید و ابزارهایی واقعی برای تسهیل این مشارکت به کار رود (نجاتی، ۱۳۸۰: ۱۵۳). از جمله دلایل این وضعیت این است که در ایران تشکیلات مرکزی بسیار نیرومند است و مردم عموماً معتقدند اگر مسئله‌ای مربوط به هر سازمان عمومی وجود داشته باشد، تنها سازمانی که آن مسئله را حل خواهد کرد، تشکیلات

مرکزی است. از این رو، هر چیزی از تشکیلات مرکزی انتظار می‌رود. هرگاه مسئله‌ای وجود داشته باشد، توجه مردم به‌طور مستقیم به مقامات مسئول مرکز متوجه است.

به عقیده متخصصان برنامه‌ریزی شهری، شهروندان به عنوان تأمین‌کنندگان اصلی هزینه‌های شهری (مالیات و عوارض) و به عنوان مجریان قوانین شهری باید درباره آینده شهر خود با مسئولان شهر مشارکت داشته باشند. اما بعد مشارکت مردمی در فرایند مدیریت شهری با مشکل و چالشی جدی روبه‌رو شده است و عدم شرکت بخش مردمی در امور مربوط به مدیریت شهر و نیز بی‌علاقگی مردم برای مشارکت در اموری که مربوط به خودشان است، مدیریت شهری را با مشکل بزرگی روبه‌رو کرده است و این خود معضل آشکاری است که در همه شهرهای ایران قابل مشاهده است.

ضرورت و اهمیت

مفهوم مشارکت دربرگیرنده این موضوع اساسی است که افراد و کل جامعه با تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم خود در امور شهری و دیگر موضوعات مرتبط، از منافع آن متمتع می‌گردند. شهروندان با مشارکت در امور شهری به شبکه‌ای از روابطی وصل می‌گردند که در آینده می‌توان نقش حمایتی را برای آنان داشته باشد. مخصوصاً در جامعه‌ای که تعداد اقصا آسیب‌پذیر بیشتر است، شرکت‌دهی آنان در امور شهری باعث افزایش عزت نفس، افزایش تعامل اجتماعی و افزایش تجربه و مهارت‌های مشارکت‌کنندگان می‌گردد (Saunders et al, 2003).

ماتو در اعلامیه سالیانه بین‌المللی ریشه‌کنی فقر (۱۹۹۶)، مشارکت را مهم‌ترین گام خودشکوفایی انسانی بیان کرده و جمله «من مشارکت می‌کنم، پس هستم» را در متن خود به کار برده است (نیازی، ۱۳۸۱: ۱۲). این امر نشان می‌دهد که در جهان آشفته و زندگی پیچیده شهری، بدون همکاری و مساعدت‌های مردمی نمی‌توان به توسعه شهری دست یافت، لذا ایجاب می‌کند که افراد جامعه در همه امور شهری، همکاری فعال و گسترده‌ای را دنبال کنند و با مشارکت فعال در جامعه، خواسته‌های مشروعشان را تحقق بخشند.

اهمیت مشارکت اجتماعی امروزه به قدری است که در مشارکت اجتماعی با توافق ۶۱ کشور در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۹ در سازمان ملل، در کنار حقوقی مانند نام، آموزش، کسب اطلاعات، خدمات بهداشتی و غیره به عنوان یکی از حقوق کودکان پذیرفته شده است (Castro, 2001: 77).

مشارکت اجتماعی هویت‌های شخصی و جمعی را می‌پروراند و می‌تواند از نیروهای اجتماعی تعصب‌آمیز بکاهد و افراد را برای ارتقای عدالت اجتماعی ترغیب کند (Wakefield et al, 2005).

اگر شهروندان مشارکت در شهر را مشارکت در سرنوشت خویش بدانند، خود در قالب گروه‌های کاری به‌شکل‌دهی و تقویت خصایصی نظیر خودرهبی، خودمسئولیت‌پذیری و ویژگی‌های دیگر مبادرت ورزیده و زمینه را برای تغییر و تحول در جهت تلطیف و پویایی شهری آماده خواهند کرد. در نهایت اینکه مشارکت عنصر حیاتی در فرایند توسعه پایدار تلقی گردیده و از آن به عنوان حلقه مفقوده فرایند توسعه یاد می‌کنند. به اعتقاد صاحب‌نظران، چون مشارکت موجب افزایش احساس شایستگی و کرامت در افراد می‌شود (آلموند و همکاران، ۱۳۷۷: ۴۲) و به تقویت جامعه مدنی منجر می‌گردد، ارزشمند است و بررسی علمی آن مهم می‌نماید.

با وجود این، هنوز زمینه‌های مشارکت گسترده و فعال مردم به‌ویژه در کشورهای جهان سوم فراهم نیامده و شهر مشهد نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین کلان‌شهرهای جهان سوم از این جریان مستثنا نبوده است. لذا بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و یافتن زمینه‌های ارتقای آن در مناطق شهر مشهد اهمیت می‌یابد.

پیشینه پژوهش

به نظر پیران مشارکت اجتماعی به معنای تخصصی کلمه زمانی امکان‌پذیر است که فرد صاحب حقوق وجود داشته باشد. به نظر پیران، ایرانیان در امور مذهبی سخت مشارکت‌جویند، ولی در امور مدنی و اجتماعی مشارکت‌جو نیستند (پیران، ۱۳۷۸). علوی تبار به تأثیر متغیرهای آگاهی اجتماعی و دسترسی به اطلاعات، جنس، تحصیلات، عضویت در تشکلهای مشارکت اجتماعی پرداخته است. دو متغیر آگاهی اجتماعی، دسترسی به اطلاعات و سطح تحصیلات با مشارکت اجتماعی رابطه معنادار داشته است (علوی تبار، ۱۳۷۹). به نظر غفاری مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایند سازمان‌یافته‌ای دانست که در آن افراد جامعه به‌صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص که منجر به سهیم شدن در منابع می‌شود، فعالیت می‌کنند. به نظر غفاری، نمود عینی مشارکت وجود نهادهایی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی است (غفاری، ۱۳۸۰). یزدان‌پناه، نشان داده است که بین جنس و مشارکت اجتماعی رابطه چندانی وجود ندارد، اما بین مشارکت والدین و مشارکت فرزندان رابطه معنادار وجود دارد (یزدان‌پناه، ۱۳۸۲). احمدی ارتباط میان احساس بی‌قدرتی، میزان فایده‌مندی یک عمل، میزان آشنایی با حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی را بررسی کرده است. به نظر احمدی هر یک از این سه متغیر رابطه معناداری با مشارکت اجتماعی دارد (احمدی، ۱۳۸۳).

کلدی در پژوهشی در منطقه ۷ تهران دریافت که نگرش شهروندان در باب مشارکت مبتنی بر کمک فکری و ارائه پیشنهاد است و تمایلی به مشارکت در حیطة عمل و اجرا ندارند (کلدی، ۱۳۸۶). رضادوست و همکاران با مطالعه‌ای که در شهر ایلام انجام دادند به این نتایج دست یافتند که متغیرهای وضعیت اشتغال، تأهل، تحصیلات، عضویت در تشکلهای اجتماعی و شرکت در انتخابات با مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه معنادار دارد و به‌طور کلی مشارکت اجتماعی در بین شهروندان شهر ایلام هنوز به عنوان یک مؤلفه مدرن شناخته نشده است (رضادوست و همکاران، ۱۳۸۸).

ابعاد مفهومی و نظری تحقیق

مفهوم مشارکت

واژه مشارکت از نظر لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاص است. درباره معنای اصطلاحی آن بحث‌های فراوانی شده است، ولی در مجموع می‌توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (میرموسوی، ۱۳۷۵: ۷۵).

مشارکت اجتماعی به عنوان واقعیتی اجتماعی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و فرایندی است که با گذشت زمان دگرگون و متکامل شده است. ایده مشارکت در مفهوم خود از مباحث مربوط به دموکراسی مایه می‌گیرد که خود دارای سابقه دیرینه‌ای است. در دوره جدید با توجه به نقشی که برای عاملیت انسانی در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی قائل می‌شوند، مشارکت در اشکال اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی روانی مورد توجه سیاست‌گذاران اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته است. یکی از مراکزی که به عنوان بستر و زمینه‌ساز رفتار مشارکتی شناخته می‌شود، شهر و زندگی شهری است (همان، ۷۵)

مبانی نظری مرتبط با مشارکت و مدیریت شهری

مهم‌ترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست. بنابراین، هنگامی که شهر دارای مشکلات و نارسایی‌هایی در چرخه امور خود است و از مشکلات بهداشت شهری و آلودگی‌های محیطی و اقسام آسیب‌های اجتماعی رنج می‌برد و بحران‌هایی همچون مسکن، نقص در ظرفیت کافی تأسیسات عمومی، بیکاری، کمی درآمد، زاغه‌نشینی، مشقت‌های اجتماعی، رشد خودروی شهری و بی‌هویتی در شکل‌گیری بافت‌ها و ساختمان‌ها را تجربه می‌کند، می‌توان به این نتیجه رسید که مدیریت شهری آن در تنگنا و نارسایی به سر می‌برد. در این باره، مدیریت شهری باید ضمن داشتن برنامه برای وضع موجود شهر و فائق آمدن بر مشکلات آن، برنامه‌های آینده شهر را تدوین کند و بر اساس آنها به ترسیم آینده ایده‌آلی بپردازد که بر مبنای واقعیت‌ها و شرایط زمان و مکان است. در این باره، مدیریت شهری باید حافظ شهرها و منافع مردم شهرها باشد (شیعه، ۱۳۸۲: ۳۹). حال که افزایش نیازهای انسانی و مشکلات زیست‌محیطی شهری را در ابعاد وسیع شاهدیم، مواردی چون رعایت ترافیک، توجه به فضای سبز، همکاری با شهرداری‌ها در زمینه رعایت ساخت‌وسازها، جمع‌آوری زباله و مسائل عدیده دیگر نمایانگر مشکلاتی است که امروزه با آنها روبه‌رو هستیم (Marshal, 2004: 22). از میان پیامدهای مثبتی که تقویت، قانونمندی و عقلانی کردن رابطه دوطرفه شهروندان و شهرداری‌ها و نیز مدیریت شهری و به‌ویژه شهرداری‌ها را به دنبال دارد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۴۰):

- بسط توانایی‌های شهروندان؛
- تقویت حس تعلق اجتماعی شهروندان به شهر و زندگی شهری؛
- تقویت حس اعتماد اجتماعی شهروندان به نظام مدیریت شهری و شهرداری؛
- تقویت حس همکاری میان شهروندان و شهرداری و مدیران شهری؛
- تقویت سازوکارهای دموکراسی شهری از طریق تحقق وظایف - حقوق شهروندی و شهرداری.



شکل ۱. سازوکار رابطه شهروندی و شهرداری، حقوق و وظایف متقابل (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۴۲)

مبانی نظری مرتبط با فرضیه‌های پژوهش

مبانی نظری تحقیق بر دیدگاه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مشارکت مبتنی است. در دیدگاه روان‌شناختی مشارکت بر عوامل روانی و درونی تأکید می‌شود. از این دیدگاه، متغیرهای درونی همان تفاوت در ظرفیت‌هایی است که سبب می‌شوند افراد از حیث آمادگی برای واکنش‌های گوناگون در برابر محرک‌های اجتماعی یا ترغیب مشارکت در مسائل اجتماعی متفاوت باشند. اندیشمندانی که در بررسی عوامل مرتبط با فعالیت‌های مشارکتی افراد، عوامل درونی را ذکر کرده‌اند، ساخت انگیزشی را تعیین‌کننده رفتار اجتماعی آنها دانسته‌اند. در دیدگاه روان‌شناختی مشارکت، بر عوامل انگیزشی و ویژگی‌های شخصیتی به عنوان عوامل تعیین‌کننده نگرش‌های فردی در مبادرت به فعالیت‌های اجتماعی تأکید می‌شود. از این نظر، در بررسی فعالیت‌های مشارکتی افراد باید به میزان احساس تعلق آنها به جامعه، اعتماد به نفس، خلاقیت، استعدادهای فردی و نیز انگیزه پیشرفت، انگیزه شایستگی و انگیزه کار توجه داشت (کلدی، ۱۳۸۶).

ماکس وبر در تبیین مشارکت بر اساس شیوه‌های ذهنی، معتقد است که مشارکت عملی است که در رابطه با اعمال دیگران انجام می‌گیرد و برای عامل کنش، معنی و مفهوم ذهنی خاصی قائل است. او معتقد است که در تفهیم عمل اجتماعی باید انگیزه‌ها و عوامل اجتماعی را جست‌وجو کرد. زیاد بودن تعداد افراد احتمال قابل پیش‌بینی بودن رفتارشان را بر اساس یک معنا جهت می‌دهد. این معنا ممکن است در چارچوب مقرراتی جست‌وجو شود، یا در عاداتی نهفته باشد، یا شامل ارزش‌ها و باورهای اجتماعی باشد، به نحوی که هر یک از آنها دلایل مساعدی برای جهت دادن به رفتار خاص خود بیابند. بر اساس این دیدگاه، کنش افراد بر اساس اصل پاداش و مجازات قابل کنترل و تغییرپذیر است؛ یعنی هر فرد به جنبه‌هایی که مجازات دارد، پاسخ می‌دهد و از جنبه‌هایی که مجازات دارد اجتناب می‌ورزد (علفیان، ۱۳۷۹: ۹۰) بر اساس نظریه وبر، می‌توان به رابطه رضایت از خدمات شهری و مشارکت اجتماعی اشاره کرد. بر این اساس، کسانی که احساس رضایت بیشتری از خدمات شهری دارند، بیشتر به سمت فعالیت در اجتماع گرایش پیدا می‌کنند.

دانیل لرنر مشارکت را به عنوان یکی از متغیرهای مهم در توسعه و تجدد به حساب می‌آورد و معتقد است زمینه‌های انجام مشارکت عبارتند از: آمادگی ذهنی، شهرنشینی، تحصیلات و سنتی نبودن. به عبارت دیگر، لرنر معتقد است پتانسیل توسعه در جامعه‌ای به‌وجود خواهد آمد که مشارکت اجتماعی و سیاسی و وسایل ارتباط جمعی در حد نسبتاً بالایی در آن جامعه فراهم شده باشد و این منوط به رشد شهرنشینی با داشتن امکانات فراوان در آن جامعه است (ازکیا، ۱۳۸۰: ۹۴). به‌طور کلی، لرنر مشارکت اجتماعی را یکی از مؤلفه‌های نوسازی و مدرن شدن جوامع می‌داند. با وجود اینکه لرنر به آمادگی ذهنی و متغیرهای روانی برای رسیدن به نوسازی تأکید دارد، اما متغیرهای مادی شهرنشینی را نیز در نظر دارد. در این تحقیق متغیرهای تحصیلات، وضعیت اشتغال، درآمد، وضعیت مسکن و مالکیت از این نظریه قابل استنتاج است. پارسونز به عنوان نظریه‌پرداز مکتب ساختی - کارکردی هر چند که درباره مشارکت اجتماعی در قالب نظریه کنش اجتماعی آشکارا سخن نگفته است، در لابه‌لای نظریه مشهورش یعنی کنش اجتماعی می‌توان دیدگاه وی را استنباط کرد. از نظر پارسونز مشارکت اجتماعی فرایندی آگاهانه، خلاقانه و همراه با اهداف خاصی است که در چارچوب یک نظام اجتماعی رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، وی معتقد است که با شکل‌گیری ساختارها و کارکرد هر موضوعی، رخ دادن امری امکان‌پذیر است. پارسونز عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی را فرهنگ (ارزش‌ها و هنجارها)، نظام اعتقادی افراد، تمایلات نیازی و اجتماعی کردن افراد می‌داند. بر اساس نظریه پارسونز می‌توان این‌طور استنتاج کرد که بین متغیرهایی چون احساس مسئولیت افراد در محیط شهری، استفاده صحیح از امکانات شهری، اعتقاد داشتن به شهر همانند خانه و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

این تحقیق در راستای بررسی فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

۱. به نظر می‌رسد هر چه میزان رضایت شهروندان از خدمات شهری افزایش یابد، مشارکت شهروندان در مدیریت شهری نیز ارتقا می‌یابد.
۲. هر چه احساس تعلق اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، به همان میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری افزایش خواهد یافت.
۳. میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد مرتبط است.

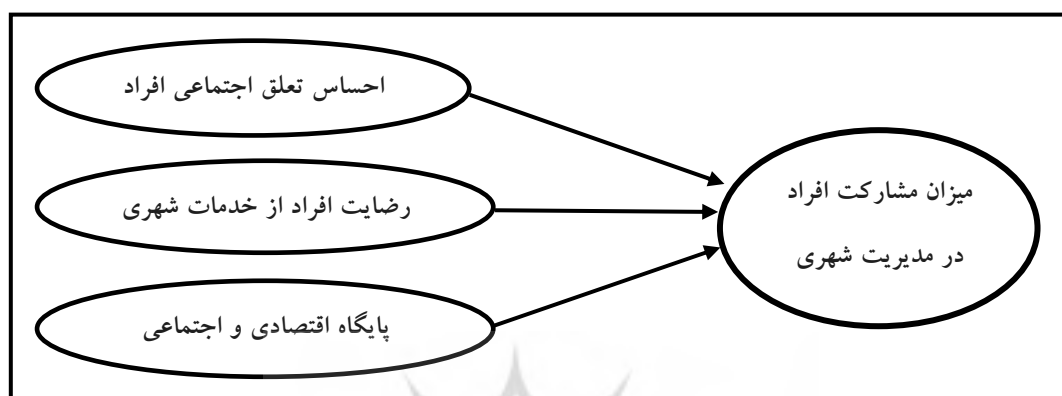
متغیرهای پژوهش

با توجه به مطالعات صورت‌گرفته در راستای مبانی نظری تحقیق، برای تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، متغیرها به‌صورت زیر خلاصه می‌شود تا روابط بین متغیرها به‌صورت تجربی آزمون شوند. متغیرهای مستقل: رضایت شهروندان از خدمات شهری، پایگاه اجتماعی، اقتصادی و احساس تعلق اجتماعی شهروندان.

متغیر تابع: مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

مدل نظری پژوهش

پس از بیان مبانی نظری پژوهش و مرتبط کردن آنها با فرضیات می‌توان مدل نظری تحقیق را ترسیم کرد. مدل نظری تحقیق بر مبنای نظریه‌ها و دیدگاه‌های فکری اندیشمندانی است که به موضوع مشارکت اجتماعی پرداخته‌اند. بنابراین بر طبق دیدگاه‌های بیان شده می‌توان مدل نظری تحقیق را بدین صورت تدوین کرد.



شکل ۲. مدل نظری تحقیق

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته است. قسمت عمده انجام پژوهش پیمایشی بوده است. جامعه آماری شامل همه ساکنان منطقه ۱ شهر مشهد است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت منطقه ۱ شهر مشهد ۱۷۴۵۹۴ نفر بوده است (www.e.mashhad.ir). با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران (رفیع‌پور، ۱۳۷۴: ۷۶) حجم نمونه ۳۸۴ تعیین شد. شیوه نمونه‌گیری به روش تصادفی سیستماتیک صورت گرفته است. با توجه به اینکه منطقه تحت مطالعه دارای سه ناحیه بود، پرسش‌نامه‌ها به نسبت جمعیت هر ناحیه توزیع گردید و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه‌ها، از نرم‌افزار SPSS کمک گرفته شد.

برای پایداری ابزار سنجش از آزمون آلفا کرونباخ استفاده شده است. آلفای کرونباخ برای سنجش میزان مشارکت با ۲۱ گویه ($\alpha = 0.74$) به دست آمد. جهت اعتبار گویه‌های به کار گرفته شده در سنجش میزان مشارکت، از اعتبار صوری استفاده شد و به منظور توصیف و تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های تحلیل واریانس، ضریب هم‌بستگی پیرسون، ضریب هم‌بستگی ناپارامتریک کندال، تفاوت میانگین‌ها (t.test) و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

معرفی عرصه تحت مطالعه

منطقه تحت مطالعه، یعنی منطقه ۱ یکی از مناطق سیزده‌گانه کلان‌شهر مشهد است که در پهنه‌ای به وسعت ۱۶۱۱ هکتار در محدوده میانی کلان‌شهر مشهد واقع شده است. جمعیت آن طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۷۲۵۴۷ نفر بوده است (www.e.mashhad.ir).

یافته‌های توصیفی

ویژگی‌های فردی

بر اساس نتایج پرسش‌نامه‌ها، ۷۴/۲ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۲۵/۸ درصدشان زن بوده‌اند و ۸۵/۲ درصد متأهل و ۱۴/۸ درصد مجرد بوده‌اند.

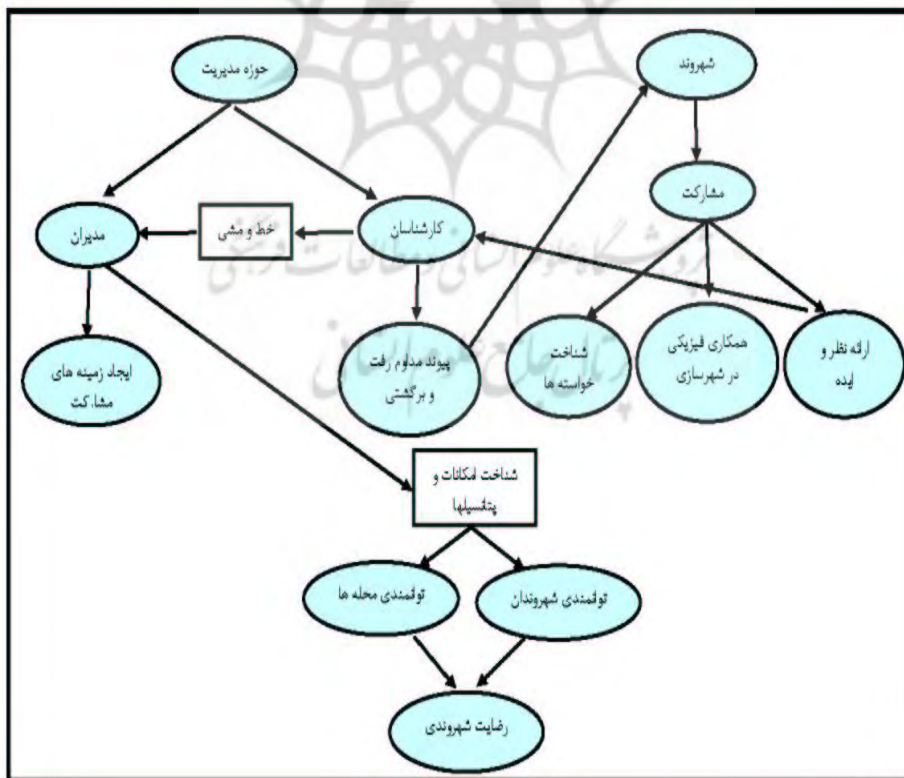
بررسی بعد خانوار نشان می‌دهد که تعداد افراد خانواده‌های ۵۵/۵ درصد از پاسخ‌گویان بین ۲ تا ۵ نفر و ۲۲/۴ درصد آنها بیش از ۵ نفر و بقیه کمتر از ۲ نفر بوده است.

از نظر سطح تحصیلات اغلب افراد با تحصیلات دیپلم و پایین‌تر از آن بوده‌اند؛ به طوری که ۲۲/۳ درصد افراد زیر دیپلم و ۳۷ درصدشان دیپلم بوده‌اند و بقیه از تحصیلات بالاتری برخوردار بودند.

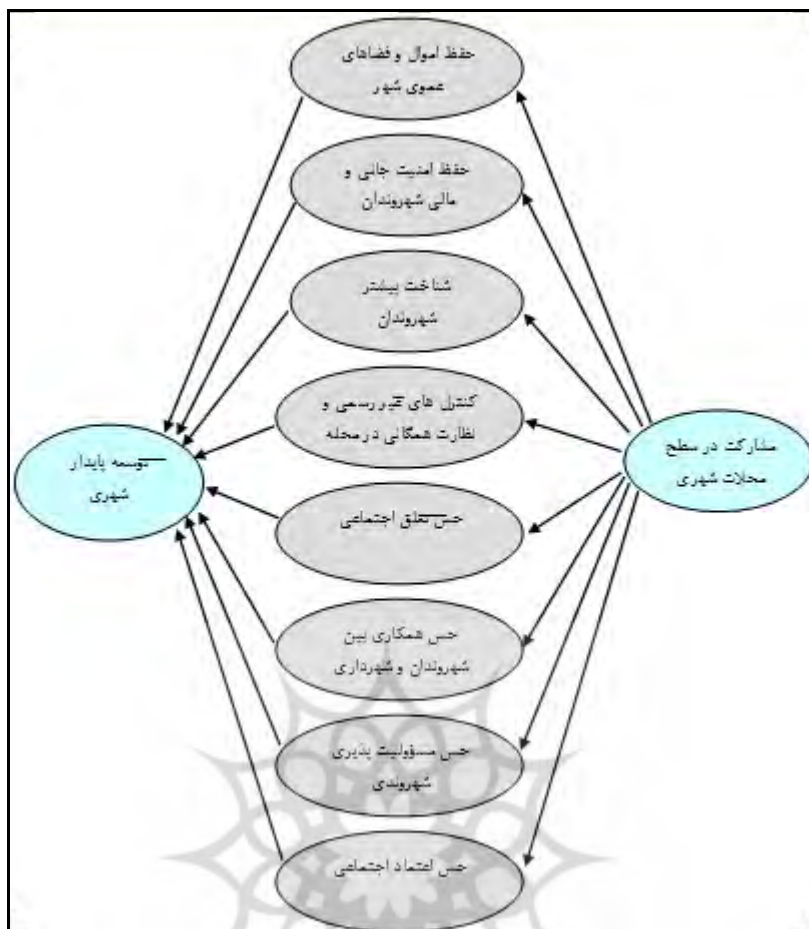
۴۰/۶ درصد افراد سطح درآمد بیشتر از ۸۰۰ هزار تومان، ۴۱/۱ درصد بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان درآمد داشتند و درصد باقی‌مانده کمتر از ۵۰۰ هزار تومان در ماه درآمد داشته‌اند.

بررسی وضعیت شغلی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۲۶ درصد افراد شاغل در بخش دولتی، ۱۱ درصد شاغل در شرکت‌های خصوصی، ۳۰ درصد شغل آزاد (بازاریان، کارگران و...)، ۱۰/۹ درصد بازنشسته، ۱۰/۲ درصد بیکار، ۷/۶ درصد دانشجو و بقیه غیر از موارد فوق بوده‌اند.

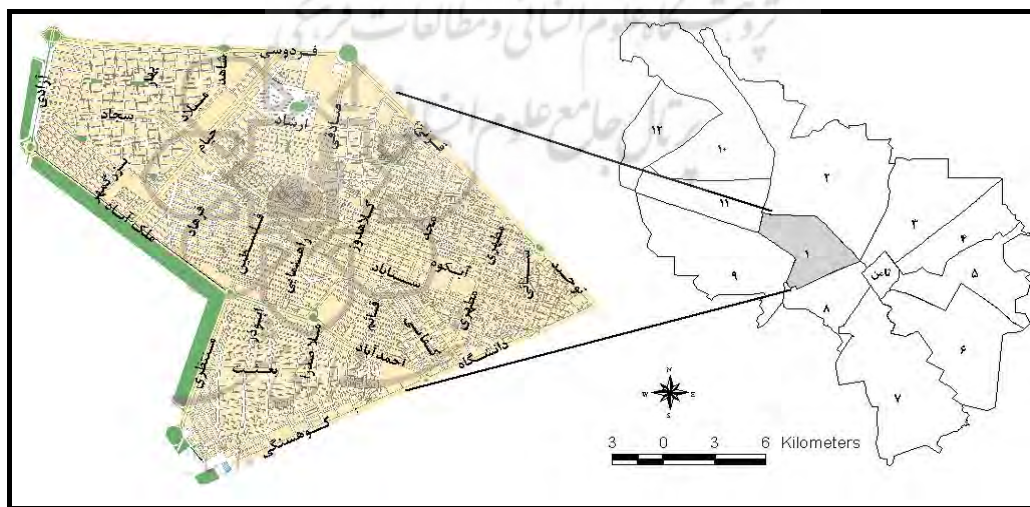
۶۶/۹ درصد افراد، مالک واحد مسکونی خود و ۲۵/۸ درصد، مستأجر بوده‌اند و باقی‌مانده نه مالک بوده‌اند و نه مستأجر بوده‌اند.



شکل ۳. تبیین رابطه مشارکت شهروندی و مدیریت شهروندی
منبع: نگارندگان.



شکل ۴. تأثیر مشارکت در توسعه پایدار شهری
منبع: نگارندگان



شکل ۵. نقشه مناطق سیزده گانه شهر مشهد و موقعیت منطقه ۱
منبع: (www.e.mashhad.ir)

بررسی مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

برای بررسی مشارکت شهروندان در مدیریت شهری از ۱۰ گویه استفاده شد که بر مبنای طیف ۵ مقیاسی است. با توجه به نتایج میانگین، هر کدام از گویه‌ها رتبه‌بندی شده‌اند. نتایج نشان داد که بالاترین میزان مشارکت در مدیریت شهری مربوط به مشارکت در حفاظت از پارک‌ها بوده و مشارکت در پرداخت عوارض شهری و مشارکت در اداره امور شهری در رده‌های بعدی قرار داشتند. کمترین میزان مشارکت نیز مربوط به ارائه نظر و پیشنهاد به مدیران شهری است. به طور کلی میانگین میزان مشارکت در مدیریت شهری در منطقه تحت مطالعه ۳ (از برآورد ۱۰ گویه و بر مبنای طیف ۵ مقیاسی) است که تقریباً در سطح متوسط به بالا ارزیابی می‌گردد.

جدول ۱. توزیع درصد فراوانی و میانگین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

گوپه‌ها	میزان مشارکت	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین بر اساس طیف ۱ تا ۵
اطلاع‌رسانی مشکلات شهری به مدیران	۷/۳	۱۰/۹	۲۲/۱	۳۷/۸	۲۱/۹	۳/۵	
توجه به قوانین در ساخت‌وسازها	۷/۳	۱۴/۶	۲۲/۴	۳۳/۶	۲۲/۱	۳/۴	
مشارکت در حفظ پارک‌ها	۷/۳	۷/۳	۱۴/۸	۵۱/۸	۱۸/۸	۳/۷	
مشارکت در برگزاری مراسم	۱۴/۶	۱۸/۵	۳۳/۶	۲۶	۷/۳	۲/۹	
مشارکت در پرداخت عوارض شهری	۷/۳	۷/۳	۲۲/۴	۴۷/۹	۱۵/۱	۳/۶	
مشارکت در حل مشکلات شهری	۰	۲۱/۹	۳۳/۶	۴۰/۹	۳/۶	۳/۲	
مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی	۱۴/۶	۲۶	۲۲/۴	۲۹/۴	۷/۶	۲/۸	
ارائه نظر و پیشنهاد به مدیران شهری	۳۷	۱۸/۸	۲۲/۱	۱۸/۵	۳/۶	۲/۳	
میزان مشارکت در اداره امور شهری	۱۰/۹	۷/۳	۱۴/۶	۴۰/۹	۲۶/۳	۳/۶	
ارزیابی میزان خدمات‌رسانی از طرف مدیران شهری	۷/۳	۱۱/۲	۴۰/۹	۳۳/۳	۷/۳	۳/۲	

یافته‌های تحلیلی

در این بخش از تحقیق ضمن آزمودن فرضیه‌ها، به تحلیل موضوع پرداخته می‌شود.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد با افزایش رضایت شهروندان از خدمات شهری، مشارکت شهروندان در مدیریت شهری نیز ارتقا می‌یابد.

برای سنجش رابطه میزان رضایت شهروندان از خدمات شهری و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (به دلیل رتبه‌ای بودن متغیرها) از آزمون ناپارامتریک کندال B استفاده شده است.

جدول ۲. آزمون هم‌بستگی کندال بر اساس میزان رضایت از امکانات و خدمات و میزان مشارکت

مشارکت	خدمات و امکانات			ضریب هم‌بستگی کندال B
	کم	متوسط	زیاد	
کم	۶۶/۷	۳۳/۳	۰	Tau-b
متوسط	۲۰	۸۰	۰	R= ۰/۵۳
زیاد	۵/۱	۴۷/۸	۴۷/۱	Sig= ۰/۰۰

با توجه به نتایج جدول فوق، چون سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد و بر اساس آمار توصیفی دو متغیر، افرادی که از خدمات شهری رضایت بیشتری دارند، دارای میزان مشارکت بالایی در مدیریت شهری‌اند. نتیجه این فرضیه حاکی از آن است که در قسمت‌هایی از شهر که شهروندان به خدمات و امکانات بیشتری دسترسی دارند، به همان میزان از مدیریت شهر احساس رضایت کرده و تمایل بیشتری در امور مربوط به مدیریت شهری از خود نشان می‌دهند.

فرضیه دوم: هر چه احساس تعلق اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، به همان میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری افزایش خواهد یافت.

جدول ۳. آزمون هم‌بستگی کندال بر اساس میزان تعلق اجتماعی و میزان مشارکت

مشارکت	تعلق اجتماعی			ضریب هم‌بستگی کندال B
	کم	متوسط	زیاد	
کم	۱۰۰	۰	۰	Tau-b
متوسط	۰	۸۰	۲۰	R= ۰/۵۸
زیاد	۵/۱	۱۵/۴	۷۲/۹	Sig= ۰/۰۰

همچنین برای آزمون این فرضیه هم به دلیل رتبه‌ای بودن متغیرها از آزمون ناپارامتریک کندال B استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول فوق، چون سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد. بر اساس آمار توصیفی دو متغیر، افرادی که دارای تعلق اجتماعی بالایی بوده‌اند، میزان مشارکت بیشتری در مدیریت شهری دارند.

بنا بر نتایج آزمون فرضیه فوق می‌توان استنباط کرد که طبق گویه‌های مطرح‌شده در پرسش‌نامه، افراد دارای تعلقات اجتماعی، امکانات و تسهیلات شهر را متعلق به همه شهروندان می‌دانند. آنها شهر را همانند خانه خود می‌دانند، در حفاظت از امکانات شهر و محیط شهر احساس مسئولیت می‌کنند و در استفاده از امکانات و خدمات شهر نهایت دقت و صحت را اعمال می‌دارند. این دسته افراد به عنوان یک شهروند نوعی اصالت و هویت برای خود قائل‌اند و خود را متعلق و وفادار به جامعه شهری می‌دانند و همواره در مدیریت شهر مشارکت می‌کنند.

همچنین دو فرضیه فوق با روش هم‌بستگی پیرسون آزموده شد که نتایج آن به شرح جدول ۴ است.

جدول ۴. آزمون هم‌بستگی پیرسون بین میزان رضایت از امکانات و خدمات، تعلق اجتماعی و میزان مشارکت

آزمون پیرسون		متغیر وابسته:
سطح معناداری	شدت رابطه	میزان مشارکت
۰/۰۰۰	۰/۶۵۳	میزان رضایت از امکانات و خدمات
۰/۰۰۰	۰/۶۸۹	تعلق اجتماعی

بر اساس نتایج جدول فوق، آزمون هم‌بستگی پیرسون بین دو متغیر میزان رضایت از خدمات و امکانات $p = ۰/۶۵۳$ و میزان تعلق اجتماعی $p = ۰/۶۸۹$ با میزان مشارکت افراد در مدیریت شهری رابطه معنادار داشته است. فرضیه سوم: میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد مرتبط است. برای آزمون فرضیه سوم از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. جدول ۵ نشان می‌دهد که بین میانگین عملکرد مشارکت شهروندان در مدیریت شهری به عنوان متغیر وابسته و وضعیت تأهل، نوع شغل، میزان درآمد، نوع مالکیت، میزان تحصیلات و همچنین کیفیت مسکن، به عنوان متغیر مستقلی که بیانگر وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان است، با میزان مشارکت آنها رابطه وجود دارد. بدین معنی که هر چه وضعیت شغلی، درآمد، مسکن و کیفیت مسکن و تحصیلات در سطح مناسب‌تری باشد، مشارکت در مدیریت شهری بیشتر می‌شود.

جدول ۵. آزمون رگرسیون چندمتغیره برای سنجش رابطه میان وضعیت اقتصادی و اجتماعی پاسخ‌گویان و میزان مشارکت

مرحله	متغیرهای وارد شده	R	R ²	R ² اصلاح شده
۱	نوع مالکیت	۰/۶۵۴	۰/۴۲۸	۰/۴۲۷
۲	میزان تحصیلات	۰/۷۰۱	۰/۴۹۱	۰/۴۸۹
۳	کیفیت مسکن	۰/۷۱۷	۰/۵۱۴	۰/۵۱۰
۴	وضعیت تأهل	۰/۷۳۰	۰/۵۳۳	۰/۵۲۹
۵	میزان درآمد	۰/۷۳۸	۰/۵۴۴	۰/۵۳۸
۶	نوع شغل	۰/۷۴۴	۰/۵۵۳	۰/۵۴۷

بررسی نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که معادله پیش‌بینی رگرسیونی ما ۶ مرحله دارد. بر اساس نتایج، ضریب هم‌بستگی چندمتغیره در مرحله ۶ نشان می‌دهد که در مجموع متغیرهای نوع مالکیت، میزان تحصیلات، کیفیت مسکن، وضعیت تأهل، میزان درآمد و نوع شغل توانسته ۵۵ درصد از واریانس متغیر وابسته (میزان مشارکت در مدیریت شهری) را پیش‌بینی کند. با توجه به اینکه ۵۵ درصد از واریانس متغیر میزان مشارکت در مدیریت شهری به وسیله متغیرهای وضعیت اقتصادی و اجتماعی تبیین شده و ۴۵ درصد ($R^2 = ۴۵$) از واریانس متغیر وابسته تبیین نشده است، در کل، متغیرها دارای قدرت تبیین متوسطی بوده‌اند.

جدول ۶. عناصر اصلی تحلیل چندمتغیره به روش گام‌به‌گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته (میزان مشارکت)

نام متغیر	B	Beta	T	Sig.T
نوع مالکیت	۸/۸۷	۰/۶۵۴	-۱۶/۹۱	۰/۰۰۰
میزان تحصیلات	۱/۹۳	۰/۲۷۵	۶/۸۷	۰/۰۰۰
کیفیت مسکن	-۱/۶۲	۰/۱۹۳	-۴/۲۲	۰/۰۰۰
وضعیت تأهل	۳/۷۹	۰/۱۶۰	۳/۹۳	۰/۰۰۰
میزان درآمد	۱/۶۴	۰/۱۷۳	۳/۱۰	۰/۰۰۳
نوع شغل	۰/۶۰۷	۰/۱۲۹	-۲/۹۵	۰/۰۰۳

دیگر شاخص‌های آماری برای متغیرهای درون معادله مانند Beta برای نمره‌های استاندارد شده و نیز آزمون T را می‌توان در جدول فوق ملاحظه کرد. ضرایب B نشان می‌دهد که در مرحله نخست، به‌ازای افزایش یک نمره به متغیر نوع مالکیت، ۸/۸۷ نمره به میزان مشارکت افزوده می‌شود و در مرحله دوم، به‌ازای افزایش یک نمره به متغیر میزان تحصیلات، ۱/۹۳ نمره به میزان مشارکت افزوده می‌شود. این مورد تا مرحله ششم ادامه دارد، به طوری که به‌ازای افزایش یک نمره به متغیر نوع شغل، ۰/۶۰۷ نمره به میزان مشارکت افزوده خواهد شد.

همچنین اعداد Beta در جدول ۶ نشان می‌دهد که بین هر یک از متغیرهای اجتماعی، اقتصادی با میزان مشارکت در مدیریت شهری رابطه مثبت و مستقیمی برقرار است.

لازم به ذکر است که متغیر جنسیت نیز با میزان مشارکت افراد از طریق آزمون تفاوت میانگین‌ها (t-test) سنجیده شد که چون تفاوت معناداری بین میزان مشارکت مردان با زنان وجود نداشت از ارائه جدول آن صرف نظر شد.

نتیجه‌گیری

از مباحث مطرح شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها با SPSS و مطالعات میدانی انجام شده در این پژوهش چنین برمی‌آید که: در ارزیابی میزان مشارکت در مدیریت شهری از کل ۳۸۴ نمونه تحت پژوهش، ۱۱ درصد افراد دارای مشارکت کم، ۱۸ درصد در سطح متوسط و ۷۱ درصد دارای مشارکت زیاد بوده‌اند.

با توجه به سنجش طیفی احساس امنیت (از ۱ تا ۵) میانگین نمره میزان مشارکت شهروندان منطقه ۱، ۳ بوده است. با توجه به اینکه جامعه نمونه از نظر سطح درآمدی ۴۰/۶ درصد افرادشان درآمدی بالای ۶۰۰ هزار تومان و ۴۱/۶ درصد بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان درآمد داشتند و حدود نیمی از جامعه نمونه تحصیلاتی بالاتر از دیپلم را داشته‌اند، میزان مشارکت بیشتری انتظار می‌رفت؛ در حالی که رقم به دست آمده اندکی از سطح متوسط بالاتر بوده است. با توجه به سطح درآمد و تحصیلات نسبتاً بالا در وضعیت کنونی و رقم به دست آمده از میزان مشارکت، می‌توان انتظار داشت که در آینده میزان مشارکت افزایش یابد.

نتایج توصیفی مشارکت نشان داد که اکثر شهروندان منطقه ۱ در اموری مانند حفاظت از پارک‌ها و فضاهای سبز،

پرداخت عوارض شهری و شرکت در اداره امور شهری مشارکت بیشتری از خود نشان داده‌اند و میزان مشارکت شهروندان در ارائه نظر و پیشنهاد به مدیران شهری در سطح پایین‌تری بوده است.

نتایج تحلیلی داده‌ها نشان می‌دهد که بین متغیرهای احساس تعلق به محل سکونت و میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی شهروندانی که به محل سکونت خود وفادار بوده و به آن احساس تعلق خاطر می‌کنند، بیشتر از شهروندانی که چنین احساسی را ندارند به مشارکت در امور شهری علاقه‌مندند. همچنین آن دسته از شهروندانی که از خدمات‌رسانی مدیران شهری رضایت بیشتری دارند، به همان میزان تمایل بیشتری به مشارکت در مدیریت شهری دارند.

نتایج آزمون رگرسیون نشان‌دهنده آن است که بر حسب ارزش ضرایب (بتا) به ترتیب متغیرهای نوع مالکیت، میزان تحصیلات، کیفیت مسکن، وضعیت تأهل، میزان درآمد و نوع شغل توانسته‌اند ۵۵ درصد از واریانس متغیر وابسته (مشارکت در مدیریت شهری) را تبیین کنند. در مجموع، نتایج مربوط به هم‌بستگی‌ها و تحلیل رگرسیون با رویکرد نظری تحقیق حاضر مطابقت دارد و فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کند، به استثنای متغیر کیفیت مسکن که با میزان مشارکت در مدیریت شهری رابطه معناداری نداشته است.

به عبارت دیگر؛ افراد متأهل، شهروندانی که مالک منزل مسکونی خود بودند، کسانی که از درآمد و تحصیلات بیشتر و کیفیت مسکن بهتری برخوردار بودند، تمایل بیشتری به مشارکت در مدیریت شهر داشتند. نهایتاً باید گفت که با توجه به پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط و بالای شهروندان ساکن در منطقه تحت مطالعه، هنوز همه شهروندان به‌طور کامل به این نتیجه نرسیده‌اند که مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار شهری است.

راهکارها و پیشنهادهای

با توجه به نتایج بحث مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در منطقه تحت مطالعه، پیشنهادهایی برای بهبود مشارکت شهروندان در فعالیت‌های شهری به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. شهرداری می‌تواند با تنظیم مراسم مختلف در قالب جشنواره‌ها، فستیوال‌ها، مراسم محلی و ... در زمان اوقات فراغت شهروندان را دور هم جمع کند و در آنجا از پتانسیل عظیم مردمی به نحوی که مد نظر خود مردم است، استفاده کند. ضمن اینکه این امر تعلق اجتماعی شهروندان را بالا خواهد برد، شهرداری خواهد توانست اعتماد شهروندان را نسبت به خود جلب کند.

۲. توزیع عادلانه درآمد و امکانات و خدمات در سطح شهر؛ چنانچه شهروندان به امکانات و خدمات مورد نیازشان دسترسی نداشته باشند، مشارکت چای خود را به سرعت به بی‌علاقگی خواهد داد.

۳. مساعدت رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی برای فرهنگ‌سازی و به‌ویژه اطلاع‌رسانی درباره ضرورت شرکت داوطلبانه شهروندان در امور شهری.

۴. ایجاد و راه‌اندازی خطوط تلفن مستقیم برای ارتباط مستقیم شهروندان با مدیران جهت ارائه مشکلات و خواسته‌های خود.

۵. بهره‌گیری از تکنیک فناوری ارتباطات، طراحی سایت‌های نظرخواهی از شهروندان و حرکت در جهت شهرداری مجازی.

۶. افزایش ناوگان اتوبوسرانی برای نظم‌دهی به زمان رفت‌وآمدها و کاهش مدت انتظار شهروندان در ایستگاه‌های اتوبوس.

۷. شهرداری می‌تواند با مشارکت دادن شهروندان در شهرسازی فیزیکی الگوی شهروندی مشارکتی را به نحو احسن به نمایش بگذارد. مصداق بارز این نوع مشارکت در شهرک سپاهان شهر اصفهان دیده می‌شود. برای مثال در این شهرک پیاده‌روها با مشارکت مالکان و شهرداری ساخته شده که با وجود گذشت یک دهه از این جریان استحکام بنای موجود، زیبایی سنگ‌فرش و نگهداری آن در این چند ساله نشانی از اهمیت مشارکت در شهرسازی است و این نوع مشارکت می‌تواند به عنوان الگویی از مشارکت در مدیریت شهری مطرح باشد.



منابع

- ازکیا، مصطفی؛ (۱۳۶۴). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- الموند و همکاران؛ (۱۳۷۷). سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- پایگاه اینترنتی شهر الکترونیک مشهد؛ (۱۳۸۹). www.e.mashhad.ir.
- پیران، پرویز؛ (۱۳۷۸). مشارکت اجتماعی فقدان آن در گذشته ایران و ضرورت آن در شرایط حاضر، نشریه آبان، شماره ۴.
- رضادوست، کریم؛ حسین زاده، علی؛ عابدزاده، حمید؛ (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان، جامعه شهری ایلام، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳۵، دانشگاه اصفهان.
- رفیع‌پور، فرامرز؛ (۱۳۷۴). کندو کاوها و پنداشته‌ها، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- شبیغه، اسماعیل؛ (۱۳۸۲). لزوم تحول مدیریت شهری در ایران، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱، دانشگاه زاهدان.
- علوی‌تبار، علیرضا؛ (۱۳۷۹). مشارکت در اداره امور شهرها، جلد اول، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
- علفیان، مسعود؛ (۱۳۷۹). مشارکت و دیدگاه نو در مدیریت شهری، مجموعه مقالات، مدیریت توسعه پایدار، تبریز، دانشگاه و شهرداری تبریز.
- غفاری، غلامرضا؛ (۱۳۸۰). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی کاشان، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- قراچورلو، نجف؛ اسمعیلی، اکبر؛ (۱۳۸۶). بررسی زمینه‌های مشارکت شهروندان در فعالیت‌ها و خدمات شهرداری تبریز، جهاد دانشگاهی واحد آذربایجان.
- کلدی، علیرضا؛ (۱۳۸۶). بررسی نگرش شهروندان به مشارکت در مدیریت شهری؛ مطالعه‌ای در منطقه ۷، ماهنامه شهرداری‌ها، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
- میرموسوی، سید علی؛ (۱۳۷۵). مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکت، نقد و نظر، سال دوم، شماره‌های ۳ و ۴.
- نیازی، محسن؛ (۱۳۸۱). تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهر کاشان، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- نجاتی حسینی، سید محمود؛ (۱۳۸۰). بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ اول.
- یزدان‌پناه، لایلا؛ (۱۳۸۲). عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی در شهر تهران، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- Wakefield, S.; Poland, B.; (2005). Family, Friend or Foe? Eritical Reflection on the Relevance and Role of social Capital in heath and community development. Social Science and medician, Vol. 60 (2).
- Saunders, Peter; Brown, Judith; Eardy, Tony; (2003). Pattern. Os economic and social Participation among facs Customers, social Policy research Center, No. 19. University of New south Wales. p. 167.
- Marshal, Melissaj; (2004). Citizen Participation and the neighborhood Contextet: A New at the Corporoduction of Local Public Goods, Political Research Quarterly, VOL. 57, No. 2, PP. 231-244.

Castro, R. d.; (2001). Cities and social Participations: social Inequalities from children and youths, point view, international journal of Anthropology, Vol. 16 (2-3), pp. 77-87.

A website of the city of Mashhad; (1389). www.e.mashhad.ir.

Almond et al.; (1998). Comparative Politics. A. Tayyeb (Trans.). Tehran: State Management Training Center.

